

فارسی

«ایران» دومین حضور رئیس دولت سیزدهم در نشست مجمع عمومی سازمان ملل را بررسی می کند

تحلیل شکست به غرب با دیپلماسی پیشرو در نیویورک

چگونه رئیس جمهور به نمایندگی از حاکمیت ملی کشور حربه جنگ روانی را از براندازان گرفت و به دست برتر در نیویورک تبدیل شد؟ ایران چگونه موقعیت اروپایی‌ها را در روند تحولات مذاکرات هسته‌ای بی‌اعتبار کرد؟ چرا مقام‌های کشورهای عربی و آسیایی از مواضع رئیسی استقبال کردند و چرا «بنیامین نتانیاهو» هنگام سخنرانی در صحن مجمع عمومی با صدلی‌های خالی روبه‌رو شد و معنای ادامه مذاکره در صورت اعتمادسازی بیشتر چه

می‌تواند باشد؟ دومین سفر سید ابراهیم رئیسی به نیویورک برای شرکت در اجلاس سران سازمان ملل متحد به نقطه عطفی در سیاست خارجی ایران تبدیل شد؛ نه از آن جهت که رویدادی خلق‌الساعه رخ داده باشد بلکه بدان خاطر که رئیسی نقشه راه را به غرب نشان داد. همان نقشه راهی که پیش‌تر در روند تحولات سازمانده ایرانی-عربی به اجرا درآمده بود و اتفاقاً بازتاب خوبی هم یافته بود.

رئیسی در نیویورک کوشید سلاح جنگ روانی را از دست خبرسازان بگیرد و با دیپلماسی فعالی که از ساعات نخستین حضورش در سازمان ملل به جریان انداخت، به آنان که پیش‌تر مهم‌ترین سخن او را نشنیده یا نمی‌خواستند بشنوند نشان داد که پیام صلحش چگونه در کمتر از یک سال همه معادلات پیشین خاورمیانه را برهم زده و فصل تازه‌ای از رابطه را میان ایران و کشورهای بزرگ و کوچک منطقه رقم زده است.

رئیسی در نیویورک کوشید سلاح جنگ روانی را از دست خبرسازان بگیرد و با دیپلماسی فعالی که از ساعات نخستین حضورش در سازمان ملل به جریان انداخت، به آنان که پیش‌تر مهم‌ترین سخن او را نشنیده یا نمی‌خواستند بشنوند نشان داد که پیام صلحش چگونه در کمتر از یک سال همه معادلات پیشین خاورمیانه را برهم زده و فصل تازه‌ای از رابطه را میان ایران و کشورهای بزرگ و کوچک منطقه رقم زده است.

رئیسی هنوز به نیویورک نرسیده بود که بیانیه سه کشور اروپایی؛ انگلیس، آلمان و فرانسه همراه با آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران منتشر شد. در حالی که برخی خود را باخته بودند و فکر می‌کردند این بیانیه می‌تواند بازی را تمام کند، اما رئیس جمهور خونسرد بود و اهمیتی برای بیانیه اروپا قائل نبود و دست از دیپلماسی نکشید. حق هم با او بود. نه تنها دیپلماسی پایان نیافته که تازه شروع شده و بازی به اوج خود رسیده بود؛ ۱۰ دیدار رؤسای دولت‌های جهان با رئیس جمهور ایران در حالی که برخی از آنها برای نخستین بار صورتی گرفت، همه برای ایران یک پیام داشت؛ دعوت به گفت‌وگو؛ از نخست‌وزیر زاپین که به استقبال سیاست خارجی ایران رفته بود تا رؤسای جمهور کشورهای آسیای میانه که در دامنه رویکرد منطقه‌محور جمهوری اسلامی قرار گرفته و در پی تقویت مناسبات با ایران بودند.

نیز به خروج آمریکا از معادلات منطقه خاورمیانه بازمی‌گردد. ایالات متحده به عنوان شرکای کشورهای عربی، از یکسوی حمایت از آنها رزده است و از سوی دیگر نمی‌خواهد حتی هزینه سیاسی جنگ مستقیم یا غیرمستقیم را بپردازد.

حق با او بود

رئیسی هنوز به نیویورک نرسیده بود که بیانیه سه کشور اروپایی؛ انگلیس، آلمان و فرانسه همراه با آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران منتشر شد. در حالی که برخی خود را باخته بودند و فکر می‌کردند این بیانیه می‌تواند بازی را تمام کند، اما رئیس جمهور خونسرد بود و اهمیتی برای بیانیه اروپا قائل نبود و دست از دیپلماسی نکشید. حق هم با او بود. نه تنها دیپلماسی پایان نیافته که تازه شروع شده و بازی به اوج خود رسیده بود؛ ۱۰ دیدار رؤسای دولت‌های جهان با رئیس جمهور ایران در حالی که برخی از آنها برای نخستین بار صورتی گرفت، همه برای ایران یک پیام داشت؛ دعوت به گفت‌وگو؛ از نخست‌وزیر زاپین که به استقبال سیاست خارجی ایران رفته بود تا رؤسای جمهور کشورهای آسیای میانه که در دامنه رویکرد منطقه‌محور جمهوری اسلامی قرار گرفته و در پی تقویت مناسبات با ایران بودند.

از برآیند دیدارهای هیأت ایرانی در نیویورک و نوع موضعگیری کشورهای غربی پیدا بود که این کشورها به دنبال بازگرداندن رویکرد دیپلماتیک خود در قبال ایران به نقطه‌ای هستند که پیش از تحولات یک سال اخیر قرار داشت؛ چه نتیجه‌ای که هیأت بلندپایه ایرانی در نیویورک از آن رونمایی کرد این بود که صلح را در منطقه گستراننده و قصد جنگ ندارد و از فرصت برای تقویت مناسباتش با کشورهای خارج از منطقه هم استقبال می‌کند.

همنشینی با رسانه‌ها

رئیسی اما با تسلط، همنشین نمایندگان مهم‌ترین رسانه‌های جهان و اندیشمندان سیاست خارجی امریکایی شد. او در این نشست‌های پرسش و پاسخ با استقبال از اجرای تفاهم اخیر میان تهران و واشنگتن و شفاف‌سازی درباره دروغ‌پرازی‌های

غرب درباره جنگ اوکراین، یخ فضای حاکم را شکست. آنچه رئیسی در این نشست‌ها انجام داد سیاست خارجی عزتمندانه بود و با تشریح وضعیت کاملاً امن آرام داخلی و عدم اضطراب و خشم از پرسش‌های ادعایی خبرنگاران بدون کاستن از موقعیت شخصی خویش، اندیشه صلح‌طلبانه‌اش را به رخ کشید و از موضع یک رئیس‌جمهور مقتدر سخن گفت. هرچه خبرنگاران پرسیدند رئیسی از موضع محکم جواب داد. همه خواسته‌اش در این نشست‌ها مبتنی بر تلاش برای نشان دادن تصویری واقعی از جمهوری اسلامی بود، نه تصویری که دیگران می‌کشند و بر واقعیت‌ها تفتاب می‌اندازند. او چند بار تأکید کرد که اگر ایالات متحده چنان که در روند آزادسازی اموال نشان داد، به اجرای تعهداتش نسبت به ایران پایبند باشد، می‌تواند آفاق‌های تازه‌ای برای کاستن از اختلافات از جمله بر سر تحریم‌های ظالمانه پیش‌بینی کرد. گفت‌وگوهای پرشمار او با رسانه‌های پر مخاطب امریکایی بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های جهان داشت؛ گفت‌وگوهایی که در آنها صریح‌ترین مواضع ایران درباره فعالیت‌های هسته‌ای و صلح با همه کشورها مطرح شد و اتفاقاً تأثیر ممکن خود را یافت.

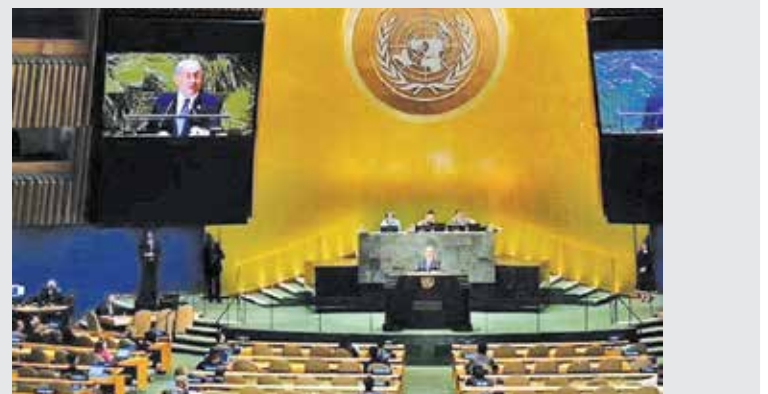
فرصتی برای آغاز راه

رئیسی با اختیارات کامل از صلح و اعتمادسازی سخن گفت و بر خلاف اپوزیسیون ایرانی که در گوش جو بایدن خوانده بودند رئیس دولت سیزدهم سر جدار دارد و برخلاف برخی که در تهران می‌خواستند همین معنا را القا کنند، رئیسی در چهارچوب نقشه راه جمهوری اسلامی سخن می‌گفت؛ اول اعتمادسازی و آن‌گاه مذاکره. رئیسی در شهریور ۱۴۰۲ در نیویورک نماینده همه اقلشار، گروه‌ها و سلیق در ایران بود.

نیویورک فرصتی بود که می‌تواند آغاز راه باشد. اگر مخالفان اندکی از ظرفیتی که رئیسی در صداقت دیپلماتیک از خود نشان داد به حاکمیت ملی، مصلحت ملی و منفعت ملی کشور خویش پایبند باشند، جمله نمی‌کنند و به انتظار تحولات راه‌گشا و امیدبخش می‌نشینند.

رئیسی اما با تسلط، همنشین نمایندگان مهم‌ترین رسانه‌های جهان و اندیشمندان سیاست خارجی امریکایی شد. او در این نشست‌های پرسش و پاسخ با استقبال از اجرای تفاهم اخیر میان تهران و واشنگتن و شفاف‌سازی درباره دروغ‌پرازی‌های

گاف‌های دلگداز در برابر صدلی‌های خالی



«بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در نشست اخیر سازمان ملل باز هم فاقد به دست در صحن مجمع عمومی حاضر شد و در برابر صدلی‌های خالی از نقشه‌ای موسوم به خاورمیانه جدید رونمایی کرد. نقشه‌ای خالی که در آن هیچ نشانی از اراضی فلسطینی نبود. طرف دیگر نقشه او نمایی از تلاش رژیم متبوعش برای صلح با رهبران سعودی را نشان می‌داد؛ طرحی که رهبران سعودی، آن را تأیید نکرده‌اند.

«نتانیاهو» پیش از این و در سال ۲۰۱۲ با نقاشی دیگری در مجمع عمومی سخنرانی کرده و به تکرار ادعاهای خود علیه برنامه هسته‌ای ایران پرداخته بود اما نقشه او در نشست اخیر کمی تفاوت داشت. نقشه‌ای که او این بار در دست داشت هیچ اشاره‌ای به کرانه باختری، غزه یا بیت‌المقدس شرقی نداشت؛ یعنی همان سرزمین‌هایی که اسرائیل در سال ۱۹۴۷ تصرف کرد و فلسطینی‌ها اینک بحق به دنبال بازپس‌گیری آن هستند.

اما نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در حالی که در صحن مجمع عمومی برای خاورمیانه نقشه می‌کشید که از همان جایی می‌شد صدای فریاد معترضان که علیه او در اطراف سازمان ملل جمع کرده بودند، شنید. «باراک رافید» تحلیلگر امور دیپلماتیک در سایت عبری زبان والابا به روایت این اعتراضات پرداخته و نوشته است: «هزاران اسرائیلی و امریکایی در بخشی از خیابان شماره ۴۸ و خیابان دوم نیویورک برای برگزاری تظاهرات علیه نتانیاهو و اصلاحات قضایی کابینه وی تجمع کرده و صحنه بی‌سابقه‌ای را رقم زدند. صدای معترضان به خوبی در خارج از مقر سازمان ملل به گوش می‌رسید.» او در ادامه افزود: «نتانیاهو در همان زمان به بالای جایگاه سخنرانی مجمع عمومی

محورهای مهم سخنان

رئیس جمهور در صحن سازمان ملل



- ۱. مفاهیم وحدت‌بخش قرآنی و تعالیم متعالی، جامعه‌ساز و تمدن‌ساز انبیا برای جوامع بشری، ابدی‌اند و هرگز نمی‌سوزند.
- ۲. حفاظت از حریم خانواده یک واقعیت جهانی است که باید به دستور کار مشترک جهانی تبدیل شود.
- ۳. نظم کهنه لیبرال و پروژه امریکایی کردن جهان شکست خورده است.
- ۴. کشورهای اروپایی در عین ادعای مبارزه با تروریسم، به پناهگاه امن گروه تروریستی ای (مناقضین) تبدیل شده‌اند.
- ۵. کنار گذاشتن سلطه جهانی و همکاری‌های منطقه‌ای کلیدی است.
- ۶. جنگ در اروپا را به نفع هیچ طرف اروپایی نمی‌دانیم. از هراتکاری برای آغاز روند سیاسی حمایت می‌کنیم.
- ۷. سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران ندارد.
- ۸. سیاست همسایگی به دنبال تضمین امنیت پایدار از طریق همکاری‌های درون منطقه‌ای و ممانعت از مداخله خارجی است.
- ۹. همکاری‌های گسترده اقتصادی و تقویت پیوندهای زیرساختی در دستور کار منطقه‌ای قرار می‌گیرد.
- ۱۰. ایران فصل نویی از روابط سودمند با کشورهای همسایه، همسو و هم‌اندیش را رقم زده است.